

رواج مسئله‌سازی و افول مسئله‌یابی در تحقیقات کتابداری

محمد حسین دیانی^۱

دکتر رضا داوری در یکی از سه مقاله‌ای که اخیراً درباره مباحث کتابسنجی منتشر کرده است، در پاسخ به منتقدان خود در باره نمایه استنادی، به نکته‌ای اشاره دارد که با حال و هوای تحقیقات کتابداری در این سالها بی‌مناسبت نیست. ایشان اعلام کرده‌اند، در تحقیقاتی که در ایران، بویژه در دانشگاه‌ها انجام می‌شود، به جای «مسئله‌یابی» به «مسئله‌سازی» پرداخته می‌شود.

هر رشته علمی زمانی شکل می‌گیرد که شرایط مسئله‌ای در یک حوزه خاص آن قدر زیاد شده باشد که آگاهی‌یابی و آگاهی‌دهی از دانسته‌های مربوط به آن و پژوهش برای باز شدن گره‌های موجود در آن حوزه، ضرورت یافته باشد. در چنین شرایطی، عده‌ای که با آن موضوع و مباحث مطرح در آن آشنایی دارند، گرد هم می‌آیند تا با شناخت ابعاد متفاوت مسائل مرتبط و شناساندن آنها به دیگران و نیز تحقیقات خود، پاسخهای مناسبی برای مسائلی که انگیزه ایجاد آن رشته علمی بوده‌اند، فراهم آورند. در این چارچوب، فلسفه وجودی بسیاری از تحقیقات دانشگاهی، پیدا کردن راه‌حل برای یک مشکل یا پاسخ‌یابی برای مسئله‌ای است که نپرداختن به آن می‌تواند تأثیراتی نامطلوب بر جامعه بر جای گذارد.

ساده‌ترین مثالی که می‌توان در این مورد مطرح کرد، وضعیتی است که در پی تشکیل دوره‌های کارشناسی ارشد کتابداری در ایران پیش آمده بود. در آن زمان مدرسان درس «مواد و خدمات مرجع» دریافتند بسیاری از درسها را می‌توان بر اساس کتابهای غیر فارسی تدریس کرد، اما درسهای مربوط به «مواد و خدمات مرجع» این ویژگی را ندارند و برای تدریس آنها باید از منابع فارسی مرتبط استفاده کرد. اما در عمل، منابع فارسی مرجع بویژه در حوزه کتابشناسی و مقاله‌نامه فقیرتر از آن بود که بتوان یک نیمسال تحصیلی را با آنها طی کرد. آنچه در آن زمان به وقوع پیوست، این بود که دانشجویان با جستجو در منابع کتابخانه‌ای درمی‌یافتند که در چه موضوعاتی و برای چه سالهایی فاقد کتابشناسی یا مقاله‌نامه است و هر یک این مسئولیت را می‌پذیرفت که با نگارش پایان‌نامه در آن حوزه، خلایی را از میان بردارد. بر این اساس، با اتمام پایان‌نامه هر دانشجوی، کتابشناسی یا مقاله‌نامه‌ای با قابلیت استفاده‌ای خاص در موضوعی ویژه و در محدوده زمانی مشخص برای استفاده کتابداران و دانش‌پژوهان در دست بود. برخی از متنهایی که بعدها در آموزش درسهای کتابداری

مورد استفاده قرار گرفتند، از همین مسیر گذشتند. کتابهایی با اسامی «فهرست مستند سازمانها»، «نشانه مؤلف فارسی»، «راهنمای دانش آموختگان کتابداری ایران» و «فهرست مقالات حقوقی» نمونه‌هایی از این پایان‌نامه‌ها بودند. این گونه پایان‌نامه‌نویسان در عمل ابتدا «مسئله‌یابی» می‌کردند و برای پاسخ به مسئله، به گردآوری اطلاعات می‌پرداختند و سرانجام چیزی مناسب استفاده به جامعه علمی کتابداری بطور اخص و جامعه علمی بطور اعم ارائه می‌نمودند. تعداد قابل توجهی از تحقیقات کتابداری در گذشته‌های دور و نزدیک در حوزه‌های متفاوت این رشته، با این شیوه شکل گرفتند. و هنوز هم در حال شکل گرفتن هستند.

اما، در سالهای اخیر در بیشتر تحقیقات حوزه کتابداری، بویژه، آنهایی که در قالب پایان‌نامه‌های دوره‌های تحصیلات تکمیلی در جریان بوده و هست، به جای «مسئله‌یابی» به «مسئله‌سازی» پرداخته می‌شود. افزایش بازگشایی دوره‌های تحصیلات تکمیلی و افزایش تعداد دانشجویانی که در این گونه کلاسها حضور می‌یابند از سویی و کاهش مدرسان با تجربه از سوی دیگر، گرایش به مسئله‌سازی به جای مسئله‌یابی در تحقیقات کتابداری را بیش از پیش افزایش داده است.

این گونه تحقیقات، زیر بنای نظری ندارد، بر اساس نظریه یا تئوری خاصی شکل نمی‌گیرند، از بررسی نوشته‌هایشان هیچ نظریه یا فرضیه‌ای مشخص بیرون کشیده نمی‌شود و در مواردی حتی برای نگرش خاصی که در تحقیق دنبال می‌شود، فاقد هر گونه شبکه استدلالی هستند. در مقابل، نوشته و اعلام نشده پذیرفته شده که هر آنچه در غرب در حوزه کتابداری و اطلاع رسانی یا در حوزه منابع الکترونیکی مطرح است، مسائل ایران نیز هست و به تحقیق برای نشان دادن یکسان نبودن و ارائه پیشنهاد برای همسان شدن با آنها نیاز دارند.

مثلاً بدون بررسی، فرض می‌شود که کتابخانه الف باید دارای وب سایتی با این مشخصات باشد؛ یا کتابخانه ب به صفحه مرجع الکترونیکی با معیارهای چنین و چنان مجهز نیست. یا رابط کاربر کتابخانه پ باید با رابط کاربر فلان کتابخانه آمریکا مشابه باشد. تأکید اکثر این پژوهشها بر این است که «چنین و چنان باید باشد»، اما جای «چرا باید آن گونه باشد»، و یا «چه ضرورتی وجود دارد که آن گونه باشد»، خالی است.

نکته دردآوری که به آن توجه نمی‌شود این است که فناوری در هر شکلی با سرعت در حال تغییر است، لذا، توصیه به مشابه‌سازی آن گونه که در تحقیقات کتابداری مطرح است، نیز زمان مصرف کوتاهی دارد. معنی واقعی این وضعیت آن است که آنچه پژوهنده مدتی - حتی اگر این مدت را کوتاه بدانیم - برای آگاهی و آگاهی‌دهی بر روی آن کار کرده، با گذشت زمانی کوتاه، سودمندی بالقوه‌اش را از دست می‌دهد. در نتیجه، هیچ فرایند ملموسی، جز نمره‌ای که در دانش آموختگی او مؤثر بوده، باقی نمی‌ماند. در حالی که تحقیقات قبلی حتی در ساده‌ترین شکل خود که تولید کتابنامه و مقاله نامه بودند، دستاوردی مانا بودند و با گذشت زمان نیز هم گردآورنده و هم دیگران، ممکن بود از آنها استفاده کنند.

با نگاهی به فهرست مندرجات مجله‌های حرفه‌ای کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران، ردیابی این گونه تحقیقات بسیار آسان می‌نماید. هیئت‌های تحریریه مجله‌ها و داوران مقاله‌های مجله‌های فارسی نیز همه روزه با این مقاله‌های برگرفته از پایان‌نامه - که به ضرورت در اختیار داشتن نامه پذیرش برای دفاع از پایان‌نامه به دفترهای مجله‌های فارسی می‌رسد - روبرو هستند. دشواری اینجاست که همه این نویسندگان برای امور اداری خود به نشر مقاله در مجله حرفه‌ای نیاز دارند و پذیرفته نشدن مقاله برای نشر را بی‌حرمتی به زحمتی که خود

و راهنمایان و مشاوران آنها کشیده‌اند، تلقی می‌کنند؛ هرچند باور دارند که نمی‌شود این همه مقاله برگرفته از پایان‌نامه‌ها را در تعداد معدودی از مجله‌های حرفه‌ای که در اختیار است، منتشر کرد؛ اما اغلب انتظار دارند مقاله آنها در اولویت نشر قرار گیرد و اگر چنین نشود، این دیگرانند که مقصرند و نه مراعات نکردن بایدهایی که ضرورت داشته در تحقیق مورد توجه باشند. مهمترین این بایدها، داشتن فرضیه آزمون‌پذیر در تحقیقات دوره‌های تحصیلات تکمیلی و عدم تأکید صرف بر طرح پرسش و ارائه توصیفی از واقعیت یا توصیف تفاوت‌های بین واقعیات با معیارهایی است که در فعالیتهای کتابداری و اطلاع‌رسانی خارج از کشور مورد توجه است. آنچه نیاز داریم، یافتن مسائل داخلی و تلاش برای پاسخ علمی برای آنهاست و نه مسئله‌سازی از مواردی که در ایران مسئله نیست و ما برای همسان شدن با دنیای کتابداری و اطلاع‌رسانی غرب، آنها را مسئله می‌پنداریم .